



فلا خان

وضع طبقه‌ای کارگری ترکیه

گفت‌وگو با عزیز چلیک

برگردان مهر داد امامی

فلاخن

شماره ۱۰۱

وضع طبقاتی کارگر در ترکیه

گفت‌وگو با عزیز چلیک درباره‌ی پژوهش «وضع طبقاتی کارگر در ترکیه»

برگردان مهرداد امامی

مقدمه‌ی مترجم:

متن پیش رو ترجمه‌ی مصاحبه‌ی یوسف توناچ از «حزب آزادی و همبستگی» (ÖDP) با عزیز چلیک، استاد اقتصاد دانشگاه قوجاایلی (Kocaeli) ترکیه است. چلیک پژوهش‌گر مسائل کار و سندیکالیسم و نویسنده‌ی کتاب «سندیکالیسم در ترکیه: از قیومیت تا سیاست (۱۹۴۶-۱۹۶۷)»^۱ و یکی از نویسندگان کتاب «همّت، فطرت، بازار: سیاست اجتماعی در دوران حزب عدالت و توسعه»^۲ است. پژوهشی که گفت‌وگوی حاضر پیرامون یافته‌های آن صورت گرفته کاری از مرکز پژوهش‌های «دیسک» (کنفدراسیون سندیکاهای کارگری انقلابی) تحت عنوان «واقعیت طبقه‌ی کارگر ترکیه: نتایج پژوهش میدانی در رابطه با وضعیت زندگی و کار، ادراک و مواضع کارگران»^۳ است که در تاریخ ۲۱ فوریه‌ی ۲۰۱۸ در کنفرانسی مطبوعاتی ارائه شد. در این مصاحبه از مبارزه‌ی جسورانه‌ی کارگران فلزکاری می‌خوانیم که با عقب راندن سندیکای کارفرمایان فلزآلات ترکیه توانستند به گفته‌ی چلیک یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سالیان اخیر

1- Vesayetden Siyasete Türkiye’de Sendikacılık (1946-1967), 1. Baskı- Kasım 2010, İletişim Yayınları.

2- Himmet, Fıtrat, Piyasa: AKP Döneminde Sosyal Politika. 2. Baskı- Ekim 2017, İletişim Yayınları.

3- Türkiye İşçi Sınıfı Gerçeği: İşçilerin Çalışma ve Yaşama Koşulları ile Algı ve Tutumları Alan Araştırması Sonuçları, 2017.

مبارزه‌ی طبقاتی در ترکیه را به دست آورند و برای کل طبقه‌ی کارگر الهام‌بخش و راه‌گشا باشند. علاوه بر این، از عصیان‌های معروف به «نمی‌توانم امرار معاش کنم»، که با خودسوزی کارگران و تهی‌دستان همراه است، می‌شنویم و یک‌بار دیگر به خاطر می‌آوریم که ماحصل سیاست‌های نولیبرالی دولت‌های سنی و شیعه‌ی ترکیه و ایران، به‌رغم تمام تفاوت‌هایشان برای فرودستان در وهله‌ی آخر چیزی به جز هلاکت به همراه ندارد. در روزهایی که کارگران و فرودستان ایران پس از جنبش دی‌ماه به مبارزات و اعتراضات خود همچنان با صلابت ادامه می‌دهند و خط‌شکنان «وضعیت همواره اضطراری» حاکم بر جغرافیای ایران‌اند، اطلاع یافتن از مبارزات هم‌زمانشان در کشور همسایه بیش از آن‌که «اهمیتی خبری» داشته باشد دارای محتوایی مبارزاتی است. آخر این‌که انگیزه‌ی ترجمه‌ی این متن از شنیدن خبر آزادی رضا شهابی آمد. پس تقدیم به او و همسرش و تمام مبارزان و زحمت‌کشان طبقه‌ی کارگر ایران.

پیش از پرداختن به داده‌های پژوهش، مایلیم نظر شما را در مورد دو موضوعی بدانیم که به تازگی مطرح شده‌اند. نخست، مبارزه‌ی کارگران فلزکار، به‌رغم ممنوعیت‌ها و اجبارهای ناشی از وضعیت اضطراری (OHAL)، با پافشاری بر انجام اعتصاب بیش از آن‌چه انتظار می‌رفت دستاورد داشت. این فرآیند که گستره‌اش به عزمی راسخ برای اعتصابی سازماندهی‌شده از جانب جریان طوفان فلزکاران (Metal Fırtına) می‌رسد، در رابطه با مبارزه‌ی سازمان‌یافته‌ی طبقه‌ی کارگر به چه نکاتی اشاره دارد؟

چلیک: دستاورد کارگران فلزکار در رابطه با قراردادهای کار پیامد انرژی انباشته‌شده‌ای است که مدت‌هاست در بخش فلزکاران وجود دارد. این انرژی از یک سو با طوفان فلزکاران انباشته شد. طوفان فلزکاران موجب این شد که کارگران فلزکار به تدریج وارد گردونه شوند و به حساب آیند. در بخش فلزکاران، دستمزدهای پایین که ناشی از گردش زیاد نیروی کارند، انتظارات کارگران فلزکار را بالا برد. این انتظار، در میان اعضای سندیکای فلزکار ترکیه (Türk Metal) نیز میل به اعتصاب را افزایش داد. موضع مصمم سندیکای کارگران فلزکار متحد (Birleşik Metal-İŞ) در برابر به تعویق انداختن اعتصاب در آخرین تفاهم‌نامه‌ی سندیکای کارفرمایان فلزآلات (MESS) وارد مرحله‌ی جدیدی شد. سندیکای کارگران فلزکار متحد به‌رغم تعویق در زمان اعتصاب، به اعتصاب رفتن خود را اعلام کرد. سندیکای فلزکار ترکیه نیز در برابر تعویق در زمان اعتصاب اعلام کرد که ساکت نخواهد نشست. تمام این انرژی انباشته موجب شد تا سندیکای کارفرمایان فلزآلات عقب بنشینند و در نتیجه یک دستاورد مهم در قراردادهای کار حاصل شد. این دستاورد را نه ناشی از قابلیت و تاکتیک‌های شخصی بلکه باید به عنوان

پیامد تجربه‌ی انباشته‌ی کارگران فلزکار فهمید. طوفان فلزکاران، سندیکای فلزکاران ترکیه را مجبور کرد که در سیاست‌های سنتی خود تجدیدنظر کند. می‌توانیم بگوییم که این تا حدی تأثیرگذار بوده. این دستاورد در موضوع قراردادهای کار برای کل طبقه‌ی کارگر روحیه‌بخش بود و راه غلبه بر ممنوعیت اعتصاب را نشان داد. از این منظر، مبارزه و دستاورد اخیر کارگران فلزکار برای طبقه‌ی کارگر نمونه‌ی حائز اهمیت است. این دستاورد، اهمیت فعالیت سندیکایی مبارزه‌جو را در برابر فعالیت سندیکایی سنتی و مقبول نشان می‌دهد.

یکی دیگر از وقایع مهم نیز بی‌شک عصیان‌های موسوم به «می‌توانم امرار معاش کنم»^۴ است. انسان‌هایی که اشتغال ندارند و با تهی‌دستی گلاویزند، با به آتش کشیدن خود عصیان می‌کنند. فریاد و فغانی که به‌رغم به آتش کشیدن بدن‌هایشان نه شنیده و نه دیده می‌شود... فغانی که در عین حال حاکی از بی‌چارگی است... شما این طبقات زحمت‌کشی که شغلی ندارند و یا از طریق کارهای موقت به‌طور مداوم در شرایط بی‌کاری و گرسنگی به سر می‌برند، در رابطه با مبارزه‌ی سیاسی و به‌ویژه موقعیت‌شان در جنبش مخالفت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چلیک: عصیان‌های «می‌توانم امرار معاش کنم» به عنوان دفاع از خود طبقه‌ی کارگر ظاهر می‌شوند. این عصیان‌ها از یک سو نشان‌دهنده‌ی این است که برای طبقه‌ی کارگر کارد به استخوان رسیده و از سوی دیگر نشان‌گر تضعیف قدرت سازمان‌یافته‌ی کارگران است. این قبیل عصیان‌ها زمانی سر بر می‌آورند که نیرویی سازمان‌یافته نمی‌تواند اطمینان خاطر به کارگرانی که چاره‌ای ندارند، بدهد یا اساساً چنین نیرویی وجود ندارد. از طرفی هم این دست عصیان‌ها زمانی رخ می‌دهند که دست کارگران از گزینه‌های سیاسی و سندیکایی کوتاه است و برای آن‌ها امیدی در کار نیست. این قبیل عصیان‌ها همان اندازه که در مثال خودسوزی خشونت‌ی معطوف به درون (خویش) است می‌تواند معطوف به بیرون (غیر) هم باشد، همانند عصیان‌های لودیستی (Luddite).

در رابطه با همین موضوع، در فراندوم اخیر وقتی به پراکندگی آرای «نه به سیستم ریاستی» نگاه می‌کنیم، در مناطق صنعتی یعنی در بین کارگران هم می‌توانیم شاهد گسستی خفیف باشیم. از منظر رابطه‌ی بین حزب عدالت و توسعه و طبقات زحمت‌کش وضعیت امروز را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

چلیک: این‌که کارگران در مقیاسی وسیع حامی حزب عدالت و توسعه‌اند بر کسی پوشیده نیست. هر چقدر هم گسست خفیفی در کار باشد، باز هم حزب عدالت و توسعه حمایت زیادی از جانب طبقه‌ی کارگر دریافت

۴- این عصیان‌ها طی ماه‌های اخیر به شدت در سراسر ترکیه فراگیر شده است. کارگران، بیکاران، تهی‌دستان یا بازنشستگانی که دیگر از هر نوع بهبودی در وضعیت‌شان قطع امید کرده‌اند در مقابل نهادهای عمومی مثل پارلمان و ساختمان شهرداری‌ها روی خود بنزین ریخته و «می‌توانم امرار معاش کنم» فریادکنان خود را به آتش می‌کشند.

می‌کند. این حمایت را نمی‌توان تنها با انگیزه‌های ایدئولوژیک-فرهنگی-دینی توضیح داد. حزب عدالت و توسعه ظرف پانزده سالی که بر سر کار بوده بخشی از منابع وسیعی را که به واسطه‌ی خصوصی‌سازی‌ها، صندوق‌های بیمه‌ی بی‌کاری و کاهش نرخ بهره به دست آورده از طریق سازوکارهای متنوع به کارگران و تهی‌دستان انتقال داده است. عدالت و توسعه این کار را در مقیاس وسیع از طریق سازوکارهای بنده‌پروری انجام داد اما این وضعیت برای توده‌های وسیع مردم در مقایسه با گذشته مانع از وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی‌شان شد. به بیان درست‌تر، اقدامات عدالت و توسعه راه را برای این درک از وضعیت مردم باز کرد. زحمت‌کشان به‌طور نسبی تهی‌دست شدند، توزیع درآمدی شکسته شد اما اوضاع اقتصادی فردی در مقایسه با دوره‌ی قبل رو به وخامت نرفت. افزایش حداقل دستمزد و رای نرخ تورم و افزایش حقوق بازنشستگی موجب این پیامد شد. از طرف دیگر، سازوکارهای متداول تأمین اجتماعی نیز کاربرد مشابهی داشت. کارگران در بازارهای نیروی کار که منعطف‌سازی و بی‌ثابت شده‌اند در وضعیتی قرار گرفته‌اند که آسان‌تر تن به کار می‌دهند. نرخ‌های بالای بی‌کاری نیز تبدیل به یکی دیگر از سازوکارهای منکوب‌کننده شدند.

چند داده در مورد وضعیت طبقه‌ی کارگر در ترکیه

۱. مردان کارگر به طور متوسط ۱۹۷۳ لیر دستمزد می‌گیرند در حالی که دریافتی زنان کارگر به طور میانگین ۱۸۱۲ لیر است.	۲. کارگران عضو اتحادیه‌های کارگری ماهانه به طور متوسط ۲۲۶۰ لیر و کارگران بدون عضویت در اتحادیه‌ها به طور میانگین ۱۸۶۳ لیر دستمزد می‌گیرند.
۳. دستمزد ۶۶ درصد کارگران کم‌تر از ۲۰۰۰ لیر است.	۴. ۴۴,۳ درصد کارگران وضعیت سلامت و امنیت کاری را نابسند می‌دانند.
۵. ۵۶ درصد کارگران معتقدند که دستمزدهایشان کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد.	۶. ساعت کاری هفتگی در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی (OECD) ۴۰,۴ ساعت است در حالی که ساعت کار هفتگی در ترکیه ۴۹,۳ ساعت است.
۷. ۵۹ درصد کارگرانی که تحصیلاتی غیر از دیپلم دارند فاقد بیمه‌اند. کارگران فاقد بیمه به طور میانگین ۱۳۷۷ لیر دستمزد دریافت می‌کنند.	۸. حداقل دستمزد در سال ۲۰۱۷ در ترکیه ۱۴۰۴ لیر بود.

«دیسک» (کنفدراسیون سندیکاهای کارگری انقلابی) پژوهشی به نام «وضع طبقه‌ی کارگر در ترکیه» منتشر کرده است. پیش از هر چیز مایلیم از توزیع بخشی شروع کنیم. نقطه‌ی مبنای استخدام با ۶۴ درصد از آن بخش

خدمات است. این وضعیت از منظر ساختار طبقه‌ی کارگر و در عین حال در رابطه با اقتصاد ترکیه حاکی از چیست؟

چلیک: این واقعیت مسلم مدت‌هاست که وجود دارد. اکثریت عظیمی از طبقه‌ی کارگر اکنون دیگر در بخش خدمات مشغول به کار است. می‌توانیم بگوییم که این وضعیت افزایش نسبتاً بیشتری هم خواهد داشت. گرایش در اقتصاد جهان هم بدین ترتیب است. این وضعیت پیامدهای مهمی برای بازارهای نیروی کار ایجاد کرده و خواهد کرد. بخش صنایع جایی است که کارگران صنعتی نسبتاً باثبات و باقاعده فعالیت می‌کنند. با گسیل کارگران به بخش خدمات آشکال اشتغال بی‌ثبات و بی‌قاعده افزایش می‌یابد. افزایش در بخش خدمات از منظر مناسبات کاری به معنای بی‌ثباتی فزاینده است. پیامد دیگر هم، اتمیزه شدن طبقه‌ی کارگر، تجزیه‌ی آن و کاهش همبستگی است. به موازات این، از سازماندهی سندیکایی نیز کاسته می‌شود. در حالی که عضویت در سندیکاها در بخش صنعتی بالاتر از میانگین است، برای بخش خدمات در سطوح بسیار پایینی است. البته که معنای اقتصادی این تابلو چنین است که اقتصاد بیش از تولید مادی بر مبنای خدمات در حال گسترش است. ساخت‌وساز، تجارت، توریسم، خدمات اجتماعی و خدمات امنیتی به تدریج در حال افزایش است. افزایش استخدام در بخش صنعت بسیار پایین‌تر از افزایش استخدام در بخش خدمات است.

۵۴ درصد از کارگران می‌گویند که با این دستمزدها «می‌توانند تا آخر ماه سر کنند». مسئله‌ی معیشت در این پژوهش به شکلی انضمامی مطرح است. این مقدار دستمزد اندک که موجب فشار بر طبقه‌ی کارگر شده چگونه به شکلی کلی‌تر در این پژوهش انعکاس یافته؟

چلیک: با توجه به نتایج پژوهش در پایان سال ۲۰۱۷ میانگین درآمد خالص دریافتی کارگران ۱۸۹۴ لیر است. اگر به حداقل دستمزد خالص سال ۲۰۱۷ بنگریم که ۱۴۰۴ لیر است، متوجه خواهیم شد که میانگین دریافتی خالص کارگران به حداقل دستمزد بسیار نزدیک است. میانگین درآمد طبقه‌ی کارگر شدیداً نزدیک به حداقل دستمزد است. با استناد به پژوهش، ۱۶ درصد کارگران صاحب درآمد خالص کم‌تر از حداقل دستمزد هستند. نرخ کارگرانی که صاحب درآمد خالص بین حداقل دستمزد (۱۴۰۴ لیر) و ۲۰۰۰ لیر هستند نیز ۵۰ درصد است. به بیان دیگر، ۶۶ درصد کارگران صاحب درآمدی کم‌تر از ۲۰۰۰ لیر هستند. در حالی که نرخ میانگین کارگران صاحب درآمد خالص ماهانه بین دو هزار و سه هزار لیر ۲۳ درصد است، تعداد کارگرانی که ماهانه بیش از سه هزار لیر درآمد دارند تنها محدود به ۷ درصد است. تعداد کارگرانی که درآمد خالص بیش از ۴ هزار لیر دارند نیز تنها ۳ درصد است. میانگین درآمد خالص ماهانه‌ی کارگران با توجه به تقسیم‌بندی‌های کارگری به نحو چشم‌گیری متفاوت است.

تفاوت دستمزد بین کارگران دارای بیمه و فاقد بیمه شایان توجه است. در حالی که کارگران فاقد بیمه ماهانه ۱۳۷۷ لیر درآمد دارند میانگین درآمد خالص کارگران دارای بیمه به ۲۰۴۵ لیر افزایش یافته است.

همان‌طور که می‌دانیم جنایت‌های کاری یا شغلی در سال‌های اخیر یکی از مهم‌ترین مسائل هستند. در این پژوهش در رابطه با جنایت‌های شغلی به چه یافته‌هایی دسترسی پیدا کرده‌اید؟

چلیک: یافته‌های پژوهش در مورد سلامت کارگر و امنیت شغلی بسیار وخیم‌تر از آن چیزی است که در این حیطه از آن اطلاع داریم. به این سوال که «آیا اطلاع دارید در محل کارتان کسی از دوستان شما به خاطر حوادث حین کار فوت کرده باشد یا دچار بیماری ناشی از کار شده باشد؟» ۱,۴ درصد کارگران پاسخ داده‌اند که حداقل یک نفر از دوستان‌شان به خاطر سانحه‌ی کاری فوت کرده یا دچار بیماری ناشی از کار شده است. این رقم، برای کارگران بدون عضویت در سندیکا به ۱,۶ درصد، مردان کارگر ۱,۸ درصد و کارگران ۱۵ تا ۱۹ ساله ۲,۸ درصد افزایش یافته است. همین پاسخ را ۰,۳ درصد زنان کارگر و ۰,۹ درصد کارگران عضو سندیکا بیان کرده‌اند. این پژوهش مرگ‌های ناشی از حادثه‌ی کاری یا بیماری ناشی از کار را بیش از آن‌چه مطلعیم و بیش از آن‌چه در داده‌های رسمی وجود دارد، مطرح می‌کند.

باید دقت داشته باشیم که نتایج پژوهش در مورد یک سال کاری نیست بلکه انعکاس‌دهنده‌ی کل زندگی کاری کارگران است. اگر در نظر بگیریم که کارگران به طور میانگین دارای سابقه‌ای ده‌ساله هستند، می‌توانیم این ارقام را تقسیم بر ده کرده و به شکل در هزار یا هزارم بیان‌شان کنیم. بدین ترتیب، این رقم شکل ۱,۴ هزارم را به خود می‌گیرد. با این وجود، می‌توان عنوان کرد که ارقام گفته‌شده به شکل چشم‌گیری بیش‌تر از نرخ‌های رسمی و موجودند.

برای فهم معنای این نرخ‌ها باید دقت داشته باشیم که نرخ مرگ‌ومیر ناشی از حوادث و بیماری‌های شغلی برای سال ۲۰۱۶ طبق داده‌های نهاد تأمین اجتماعی از هر صد هزار مورد ده مورد و طبق محاسبات شورای امنیت شغلی و سلامت کارگران استانبول (İSG) از هر صد هزار مورد ۱۴ مورد است. بی‌شک داده‌های منتج از پژوهش نه بر مبنای حوادث ثبت‌شده بلکه مبتنی بر فهم و تجارب کارگران است. به همین دلیل، مقایسه‌ی داده‌های مبتنی بر فهم و تجربه با داده‌های ثبت‌شده کار دشواری است. با این حال، باز هم تعداد کسانی که گفته‌اند از مرگ دوستان‌شان به خاطر حوادث کاری و بیماری شغلی مطلع هستند تقریباً زیاد است.

به سوال «آیا به نظر شما به منظور تأمین سلامت و امنیت کارگران در محل کار تمهیدات بازدارنده به حد کافی اتخاذ شده است؟» ۴۴ درصد از کارگران پاسخ منفی داده‌اند. در این رابطه اگر پاسخ کسانی که اطلاعی از این امر

ندارند و کسانی که به این پرسش پاسخ نداده‌اند را هم به حساب آوریم، تعداد کسانی که پاسخ‌شان منفی بوده، تمهیدات را ناقص یافته‌اند و اطلاعی از این موضوع نداشته‌اند به ۵۷ درصد می‌رسد.

یکی دیگر از مسائل مهم بی‌ثبات‌سازی است. شرایط کاری باثبات و بی‌ثبات طبقه‌ی کارگر چگونه در این پژوهش

انعکاس یافته؟

چلیک: در حالی که به طور میانگین ۸۲ درصد کارگران اذعان کرده‌اند که در محل کارشان بیمه شده‌اند ۱۸ درصد نیز از عدم وجود بیمه در محل کار خود اطلاع داده‌اند. با این وجود، نداشتن بیمه با توجه به جنسیت، سطح آموزش و کار غیررسمی متفاوت می‌شود. در حالی که عدم وجود بیمه در زنان به ۲۱ درصد رسیده، برای گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ ساله‌ها ۴۳ درصد و ۲۰ تا ۲۴ ساله‌ها ۳۴ درصد است. افزایش شدید اشتغال کارگران جوان در کارهای غیررسمی شایان توجه است. ۱۱ درصد کارگران پاسخ داده‌اند که دارای مشاغل موقت، ضرب‌الاجلی و فصلی هستند. تعداد شاغلان مشاغلی که می‌توان آن‌ها را بی‌قاعده نامید در بین کارگران فاقد بیمه، دارای دستمزد کم، زنان و جوانان بسیار رایج است.

۴۴ درصد شاغلان فاقد بیمه در عین حال در مشاغل موقت فعالیت دارند. ۲۲ درصد شاغلان ۱۵ تا ۲۴ ساله در مشاغل بی‌قاعده فعالیت می‌کنند. در حالی که اشتغال بی‌قاعده در میان کارگران عضو سندیکا به یک درصد کاهش یافته همین رقم در بین کارگران غیرسندیکایی به ۱۳ درصد افزایش داشته است. بدون شک یکی از مهم‌ترین نشانه‌های اشتغال بی‌ثبات عدم عضویت در سندیکا است. اگر در نظر بگیریم که ۸۷ درصد کارگران عضو سندیکا نیستند و رقمی بیش از آن فاقد قراردادهای کارند، می‌توانیم ابعاد بی‌ثبات‌سازی را بهتر درک کنیم.

با استناد به پژوهش در این تابلوی تاریک، ۸۷ درصد شاغلان غیرسندیکایی متعلق به طبقه‌ی کارگر به چشم می‌خورد. مسئله‌ی فقدان سندیکاهایی که قرار است تکیه‌گاه طبقه‌ی کارگر در این گرداب عمیق استثمار باشند، در جنبش نیروهای کار حکایت از یک بحران دارد. با مبنا قرار دادن این پژوهش، در مورد نفی و رفع این بحران چه می‌توان گفت؟

چلیک: پژوهش تصویری از موقعیتی است که طبقه‌ی کارگر در آن به سر می‌برد. سرنخ‌های مهمی به دست می‌دهد. پژوهش جوانب منفی اوضاع اقتصادی و اجتماعی کارگران را ترسیم می‌کند. از طرف دیگر، انتظارات معطوف به سندیکاهای و نقاط منفی آن‌ها را هم مطرح می‌کند. این پژوهش اشاره به مسائل انضمامی و نواقصی دارد که سیاست طبقاتی در پیش خواهد گرفت. از طرفی هم حاکی از یک بالقوه‌گی امیدوارکننده است. تعداد کسانی که سندیکاهای مثبت ارزیابی می‌کنند- به رغم تمام نقاط منفی آن‌ها- حول و حوش ۴۰ درصد است. بیش

از نیمی از کارگران ارزیابی منفی‌ای نسبت به اخراج‌های گسترده در دوره‌ی وضعیت اضطراری دارند. این‌ها برای جنبش سندیکایی و برای رفع و نفی بحران موجود در جنبش نیروهای کار نشانه‌های مهمی است. با این حال، داده‌ها به موانع جدی بر سر راه قدرت‌گیری سندیکاها و رفع بحران جنبش نیروهای کار نیز اشاره دارند. این پژوهش به ریشه‌های فرهنگ بله‌قربان‌گو و تن‌دردهنده در برابر نقاط منفی در عوض لب به اعتراض گشودن نیز می‌پردازد.

این نتایج از منظر جنبش‌های مخالفی که مبنایشان کار و نیروهای کار است چه چیزی برای گفتن دارند؟ چلیک: پیش از هر چیز این پژوهش به جای ترسیم کردن یک تابلوی طبقاتی نامربوط به نحوی واقعی یک تابلوی طبقاتی انضمامی را ترسیم می‌کند. تحلیل‌ها را نه بر پایه‌ی یک طبقه‌ی کارگر خیالین بلکه باید بر اساس موقعیت انضمامی انجام داد. بی‌شک این پژوهش تنها بخشی از این تصویر را به میان می‌کشد. لازم است که از طریق پژوهش‌های دیگر کمک کنیم تا موضع و رفتارهای سیاسی کارگران نیز مشخص شود. اما پژوهش به‌ویژه در موضوعات آگاهی طبقاتی و تعلق طبقاتی و سازماندهی سندیکایی نشان می‌دهد که ترسیم تابلوی طبقه‌ی کارگر کار دشواری است. یافته‌های پژوهش این را می‌گویند که وظیفه‌ی گروه‌های اجتماعی مخالفی که بنیان‌شان کار و نیروهای کار است باید تعمیق سیاست طبقاتی و کاربنیاد باشد.

منبع:

-Türkiye'de işçi sınıfının durumu araştırması solun önüne emek ve sınıf siyasetini güçlendirme görevi koyuyor, Redaksiyon Dergisi, 19 Sayı, Mart 2018, s. 33-36.

منڙپوڻ
Manjanigh

